



حوضه های آبریز اصلی در افغانستان

تاریخ به نفع مردم افغانستان و با نیت توسعه افغانستان نبوده، بلکه نفوذ و بهره کشی از منابع و منابع افغانستان بوده و هست.

نکته آخر اینکه سد کمال خان و سلما با وجود هشدارهای زیاد کارشناسان از جمله بنده از سال ۹۵ افتتاح و تبعاتش دامنگیر ایران شد، اما مسأله مهم تر از کمال خان و سلما این است که افغانستان در بالادست سیستان روی یکی از سرشاخه های حوضه آبریز هیرومند به نام فراه رود، در حال احداث سدی به نام بخش آباد است؛ سدی که ۸۰ درصدش در زمان اشرف غنی تکمیل شده و اگر تبعاتی بیشتر از کمال خان نداشته باشد، قطعاً و بلاشک تبعاتی کمتر نخواهد داشت. تکمیل بخش آباد در کنار بهره برداری از کمال خان می تواند چالش های بسیار گسترده ای برای تمدن شش هزار ساله سیستان ایجاد کند. در حالی که طبق اصول عرفی نظام حقوق بین الملل ایران از رودخانه فراه رود حقا به محیط زیستی دارد. امیدواریم این طور نشود که مشابه کمال خان افتتاح و آبگیری شود و بعد از مشخص شدن تبعاتش تازه به فکر این بیفتیم که با او چه کنیم.

در پایان باید تأکید کنم که بر خلاف تصور عمومی، مسائل و مشکلات محیط زیستی و آبی مرزهای سیاسی انسان ساز را به رسمیت نمی شناسند. ایران و افغانستان راهی جز نگاه به سیستان بزرگ و توسعه همزمان در سیستان بزرگ ندارند. شناخت فرصت ها و چالش های سیستان بزرگ دو طرف مرز و استفاده از ظرفیت های هر بخش می تواند نفعش برای ساکنان دو طرف مرز و رودخانه بوده و پایداری را برای دو کشور به ارمغان بیاورد در غیر این صورت، دود و گردوغبار و چالش ها و تبعات این بخشی نگری دامنگیر مردم و سپس سیاستمداران دو کشور خواهد رفت.